

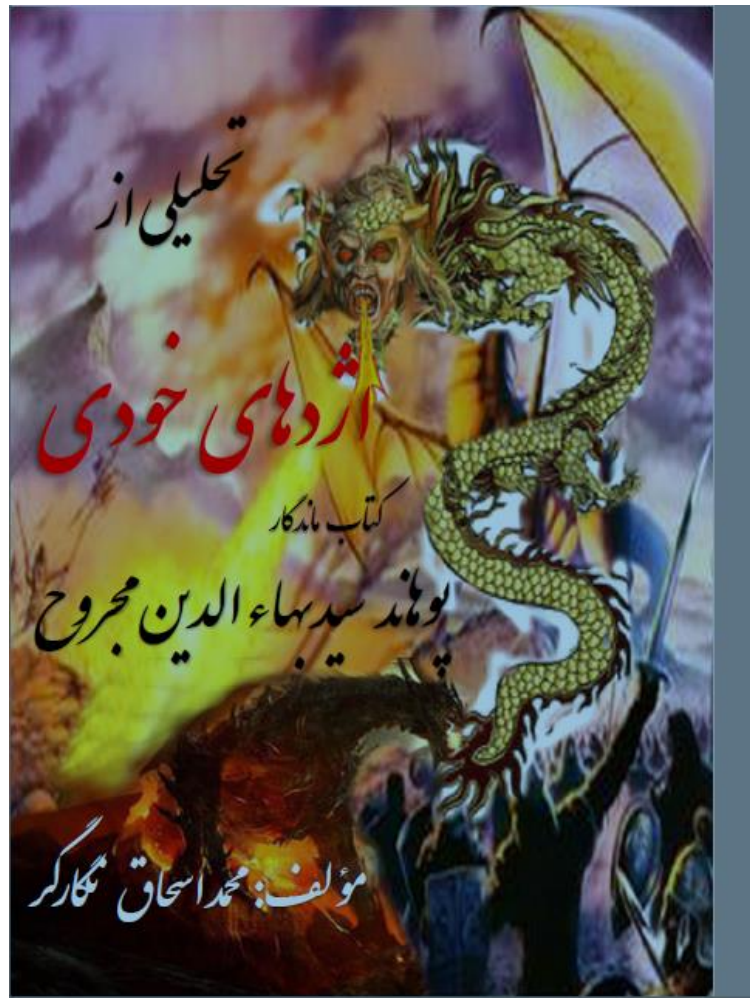


۲۰۱۸/۰۲/۱۱



م. اسحاق نگارگر

تخلی از اژدهای خودی



یادداشت ناشر:

مرحوم سید بهاء‌الدین مجروح نویسنده و فیلسوف در دورانی می زیست که کشورش با بحران های گوناگون فکری رو به رو بود. نفوذ ایدئولوژی های چپ و راست مایه آن گردیده بود که ارزش های ملی و عنعنوی در ذهن های جوان بی اعتبار گردد. این ذهن های جوان خیر و سعادت کشور و مردم را در افراط گرایی های چپ و راست می پنداشتند و برای تحقق آرمان خود تلاش می کردند. مشکل اصلی اینجا بود که انگیزه اصلی پرداختن به این افراط گرایی ها ربطی به خیر و سعادت مردم نداشت بلکه چنانکه مرحوم مجروح تشخیص کرده است در نهاد چهره های معین سیاسی یک اژدهای خودی سر بالا کرده بود که می خواست جامعه را محکوم مقوله های قبلاً ساخته شده بنماید و بُت رهبر پرستی؛ انقلاب (انقلاب پرولیتتری و انقلاب اسلامی) و چیزهایی از همین دست را بر ذهن و روح مردم مسلط سازد.

مرحوم مجروح کمر بر بست و به پیکار همین اهریمن رفت که او اژدهای خودی می خواندش یک سو از عرفان سنائی؛ عطار و مولانا بهره گرفت و نشان داد که دین را در راه کسب قدرت سیاسی استخدام کردن گریبان جامعه و مردم را به دست «خرد خود بین» و «خرد خام» می دهد و به نام حکومت «خدا بر زمین» بدترین شیوه های استبداد را بر جامعه مسلط می سازد و در دیگر سو «بُتهای پیشرفت»، «انقلاب» و «نظام دورانساز» آن مقوله های مُجَرَد است که «اژدها پرستی» نوع دیگر بر جامعه تحمیل می نماید. امروز که به اصطلاح آنها از آسیاب فرو افتاده و صحت گفته مرحوم مجروح ثابت گردیده و آقای نگارگر که وظیفه تحلیل و توضیح اژدهای خودی را به عهده گرفته است فکر می کند که هنوز خطر اژدها پرستی کاملاً از میان نرفته است و به همین دلیل اژدهای خودی مرحوم مجروح به یک پیمانۀ وسیع باید پخش شود و به دست جوانان برسد.

آریانا افغانستان آنلاین تصمیم گرفته است که این رشته مقالات مبتنی بر تحلیل اژدهای خودی را که قبلاً از فیس بُک نگارگر اقتباس و نشر کرده بود به صورت یک مجموعه جداگانه در خدمت علاقه مندان بگذارد.

آریانا افغانستان آنلاین و نویسنده تحلیل ها از این کار چشم منفعت مادی ندارند و به همین دلیل اقتباس و چاپ آنرا آزاد گذاشته اند و یگانه چشمداشت شان از چاپ کنندگان همین است که کتاب به بهای بسیار کم در دسترس جوانان؛ مؤسسات تعلیمی و پوهنتون های افغانستان قرار بگیرد تا همه از آن فیض بگیرند.

آریانا افغانستان آنلاین به زودی پخش منظم این نوشته های تحلیلی را آغاز می کند و البته کمال مطلوب این است که این تحلیل ها با کتاب اژدهای خودی در یک جلد به چاپ برسد. ولی احمد نوری

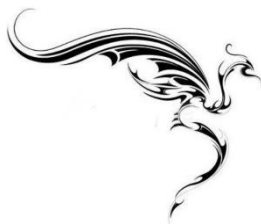
تخلیٰ از

اژدهای خودی

کتاب ماندگار پوهاند بهاء الدین مجروح



۱۳۰۶ - ۱۳۶۵



قسمت اول



خاطره حزینی

از شهادت پوهاند بهاء الدین مجروح

کشته بیگناه

امروز یازدهم ماه فبروری ۲۰۱۸ میلادی است. بیست و نه سال پیش یعنی شامگاه یازدهم فبروری ۱۹۸۸ در شهر پشاور مردی متفکری را به قتل رسانیدند که گناهی به جز عشق به آزادی نداشت و مردم خود را به خاطر اژدها پرستی معمول پشاور بیدار باش داده بود.

آری او را به خاطر این که اژدهای خودی را نوشته بود هدف قرار دادند و یک جاعور مرمی کلاشنیکوف را در سینه دردمندش خالی نمودند. او رفت اما انکشاف اوضاع و حالت درد انگیز افغانستان و پاکستان هر دو بر نظرات او صحه گذاشت. من مدتی یادداشت های خود را وقف بررسی و تحلیل اژدهای خودی، نگارش معروف او می کنم



تا ببینیم که او کی بود؟ و چه می گفت و چرا مردی را که غیر از قلم هیچ سلاح دیگر نداشت، آن چنان ظالمانه کشتند. دشمنان افغانستان در چهره بهاءالدین مجروح در حقیقت یک "سید جمال الدین افغان" دوم را نخست از کشورش بیرون راندند و بعداً در محیط غربت به شیوه ای بسیار فجیع کشتندش.

مرحوم سید بهاءالدین مجروح در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی مطابق ۱۹۲۸م در ولایت کُتر افغانستان به دنیا آمد و مکتب ابتدائی را در همان کُتر آغاز کرد اما زود شامل لیسه استقلال در کابل و بعد از فراغت از آن لیسه رهسپار فرانسه شد. وی ماستری خود را از فرانسه و دوکتورای خود را از آلمان گرفت. زبان های فرانسوی، جرمنی و انگلیسی را با روانی صحبت می کرد که جناب استاد خلیلی مرحوم در باره تسلط او بر زبان فرانسه گفته بود:

چنان می خواند اشعار فرانسه

که گویی آمد این جا هنری ماسه

مرحوم مجروح وقتی از فرانسه باز گشت در فاکولته ادبیات پوهنتون کابل وظیفه تدریس فلسفه را به عهده گرفت و یک دوره دیگر به عنوان اتاشه فرهنگی افغانستان به جرمنی رفت و دوکتورای خود را در فلسفه هگل از آنجا گرفت. باز به کابل آمد و تدریس فلسفه را ادامه داد.

مجروح در اواخر سال های پنجاه و اوایل سال های شست در فرانسه درس می خواند و در آن سال ها در حلقه های علمی و فلسفی فرانسه سخن از فلسفه اصالت وجود ژان پول سارتر و سخن از کارل گوستاف یونگ در زمینه

روانکاوی یا سایکو آنالیز بود و مجروح این هر دو را از منابع اصلی یعنی زبان فرانسوی و جرمنی و نه از منابع مسخ شده دست دوم، خوب فرا گرفت. در کابل نیز که به حساب پدر مرحوم خود جناب سید شمس الدین مجروح با دانشمندان و شاعران نخبه افغانستان چون مرحوم میوندوال، مرحوم بینوا، مرحوم الفت، مرحوم استاد خلیلی، مرحوم دوکتور محمد انس، مرحوم دوکتور علی احمد پوپل، مرحوم عبدالرحمن پژواک و مرحوم گویا اعتمادی (غفر الله کلهم) معرفت یافت و محشور گردید. او چنانکه بر فلسفه سارتر و روان شناسی تحلیلی یونگ تسلط یافته بود در قلمرو عرفان اسلامی و خاصه عطار و مولانا نیز وارد گردید و در کتاب ازدهای خودی فلسفه غرب را با عرفان عاشقانه عطار و مولانا در هم آمیخت.

من فکر می کنم که ازدهای خودی را تمام جوانان ما خاصه آنانی که در طلسم ایدیولوژی های راست و چپ گیر آمده اند، بخوانند و بار بار بخوانند و کاش معارف ما روزی تا بدانجا برسد که این کتاب را شامل برنامه های درسی صنف های ده تا دوازده مکاتب بنماید زیرا همین کتاب است که پایه های آزادی عقیده و دموکراسی را چنان استوار در روح خواننده برپا می کند که وسوسه ایدیولوژی ها نتواند او را به بیراهه ببرد. برای فهمیدن ازدهای خودی مجبوریم سارتر، یونگ و عرفان اسلامی را بدانیم. پس از یونگ شروع می کنیم.

بقیه این داستان را برای یادداشت های آینده خود می گذارم و در آن یادداشت ها منابع ازدهای خودی یعنی، یونگ، سارتر و عرفان اسلامی را می بینیم تا دریابیم که مقصود ازدهای خودی چیست و چرا این کتاب دلیل عمده قتل نویسنده اش در شهری که باز خواست و عدالت هر دو مرده بودند، شد و قتل استاد مجروح مانند صدها قتل دیگر در پاکستان و افغانستان همچنان در پرده اختفاء و استتار ماند. تا آن فرصت همه دوستان را به خداوند یکتا می سپارم.

یا حق. نگارگر ۱۱ فروری ۲۰۱۴

